

## ترجمه درس نهم

أَفْضَلُ الْأَلْوَانِ: بَعْضُ النَّاسِ يَظُنُّونَ بِأَنَّ الْأَلْوَانَ لِلتَّلَوِينِ أَوْ لِلرَّسْمِ أَوْ لِلتَّزْيِينِ فَقَطُّ. وَلَكِنْ هَلْ سَأَلْنَا أَنْفُسَنَا يَوْمًا: «هَلْ يُمْكِنُ مَعَالَجَةُ الْأَمْرَاضِ بِالْأَلْوَانِ؟ مَا هُوَ تَأْثِيرُ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ؟»

معنی: بهترین رنگ‌ها: برخی از مردم گمان می‌کنند که رنگ‌ها تنها برای رنگ آمیزی یا نقاشی کردن یا تزیین هستند. ولی آیا روزی از خودمان پرسیده‌ایم: «آیا درمان بیماری‌ها با رنگ ممکن است؟ تأثیر رنگ‌های مختلف چیست؟»

يَعْتَقِدُ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا. إِنَّ أَحَبَّ الْأَلْوَانِ إِلَى الْعَيْنِ، الْأَلْوَانُ الطَّبِيعِيَّةُ الَّتِي نُشَاهِدُهَا حَوْلَنَا فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هِيَ اللَّوْنُ الْأَخْضَرُ وَ اللَّوْنُ الْأَزْرَقُ السَّمَاوِيُّ ثُمَّ اللَّوْنُ الْأَصْفَرُ مِثْلُ لَوْنِ بَعْضِ أَوْرَاقِ الْخَرِيفِ.

معنی: برخی از دانشمندان بر این باورند که رنگ‌ها بر ما تأثیر دارند. قطعاً محبوب‌ترین رنگ‌ها برای چشم، رنگ‌های طبیعی‌ای است که شب و روز در اطراف خودمان می‌بینیم که عبارتند از: رنگ سبز و رنگ آبی آسمانی سپس رنگ زرد. مانند رنگ بعضی برگ‌های پاییزی.

أَمَّا النُّورُ الْأَحْمَرُ فَنَشْعُرُ بِالتَّعَبِ عِنْدَمَا نَنْظُرُ إِلَيْهِ؛ لِأَنَّهُ يَحْرِكُ الْأَعْصَابَ. فَقَانُونُ الْمُرُورِ يَسْتَخْدِمُهُ فِي الْأَمَاكِنِ الَّتِي بِحَاجَةٍ إِلَى الْإِنْتِبَاهِ كِإِشَارَاتِ الْمُرُورِ؛ أَمَّا غُرْفُ النَّوْمِ، فَالْأَفْضَلُ فِيهَا اسْتِخْدَامُ الْأَلْوَانِ الْمُهْدِئَةِ لِلْأَعْصَابِ كَاللَّوْنِ الْبَنَفْسَجِيِّ.

معنی: اما رنگ (نور) سرخ، وقتی به آن نگاه می‌کنیم احساس خستگی می‌کنیم، برای این که اعصاب را تحریک می‌کند. در نتیجه قانون راهنمایی و رانندگی در جاهایی که نیاز به توجه دارد، مانند علامت‌های راهنمایی و رانندگی آن را به کار می‌گیرند؛ اما اتاق‌های خواب بهتر است که در آن رنگ‌های آرام بخش اعصاب مثل رنگ بنفش به کار گرفته شود.

فيتامين (A): مِنْ فَوَائِدِ فِيتَامِينِ «A» زِيَادَةُ وَزَنِ الْأَطْفَالِ وَ هُوَ مُفِيدٌ لِلْعَيْنِ وَ كَانَ الطِّيَّارُونَ فِي الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ يَتَنَاوَلُونَهُ قَبْلَ ابْتِدَاءِ الْغَارَاتِ اللَّيْلِيَّةِ وَ هَذَا الْفِيتَامِينُ مَوْجُودٌ فِي النَّبَاتَاتِ وَ الْفَوَاكِهِ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ كَالْمُشْمِشِ وَ الْجَزَرِ وَ قَشْرِ الْبُرْتُقَالِ.

معنی: ویتامین آ: از فواید ویتامین «آ» افزایش وزن کودکان است. این ویتامین برای چشم مفید است و خلبان‌ها در جنگ جهانی دوم پیش از آغاز حملات شبانه می‌خوردند و این ویتامین در گیاهان و میوه‌های به رنگ زرد مانند زردآلو، هویج و پوست پرتقال موجود است.

فيتامين (C): يَوْجَدُ هَذَا الْفِيتَامِينُ فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ، وَلَكِنَّهُ لَا يَوْجَدُ فِي الْحَلِيبِ الْمُجَفَّفِ وَ الْأَطْفَالُ الَّذِينَ يَتَنَاوَلُونَهُ وَحْدَهُ، فِي أَكْثَرِ الْأَوْقَاتِ يَحْدُثُ لَهُمْ ضَعْفٌ فِي السَّاقَيْنِ. وَ يُمْكِنُ تَعْوِضُ هَذَا النِّقْصِ فِي التَّغْذِيَةِ بِتَنَاوُلِ عَصِيرِ اللَّيْمُونِ أَوْ عَصِيرِ الْبُرْتُقَالِ.

معنی: ویتامین ث: این ویتامین در شیر تازه وجود دارد، ولی در شیر خشک وجود ندارد و کودکانی که تنها آن را می‌خورند بیشتر اوقات برایشان ناتوانی ساق‌ها پیش می‌آید و این کمبود در تغذیه با خوردن آب لیمو با آب پرتقال جبران می‌شود.

#### ترجمه درس دهم

كَتَبَ الشَّهِيدُ الْحَاجُّ قَاسِمٌ سَلِيمَانِي رِسَالَةً

نوشت «شهید حاج قاسم سلیمانی» نامه‌ای

لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ الَّذِي اسْتَخْدَمَهُ كَمَقَرٍّ لَهُ خِلَالَ عَمَلِيَّاتِ تَحْرِيرِ «الْبُوكْمَال» فِي سُورِيَه،

به صاحب خانه‌ای که منزلش را به عنوان قرارگاه خود در به عنوان عملیاتِ آزادسازی «البوکمال» در سوریه به کار گرفت،

يَظْهَرُ فِيهَا تَوَاضُعُهُ وَالتَّزَامُهُ بِالْحَقِّ.

که فروتنی و پای‌بندی‌اش به حق در آن آشکار می‌شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مِنْ قَاسِمٍ سَلِيمَانِي إِلَى الْعَائِلَةِ الْعَزِيزَةِ وَالْمُحْتَرَمَةِ.

از قاسم سلیمانی به خانواده عزیز و گرامی.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.

سلام بر شما.

إِنَّكُمْ تَعْرِفُونَنِي حَقًّا.

قطعاً شما مرا می‌شناسید.

نَحْنُ الْمُجَاهِدِينَ سَاعِدْنَا الْمُسْلِمِينَ مِنْ أَهْلِ السُّنَّةِ فِي جَمِيعِ الْعَالَمِ.

ما مجاهدینی هستیم که به مسلمانان اهل سنت در سراسر جهان کمک کردیم.

نَحْنُ شِيعَةٌ وَ يُمْكِنُ الْقَوْلُ بِأَنَّنَا مِنْ أَهْلِ السُّنَّةِ؛ لِأَنَّنَا نَسِيرُ عَلَى سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، وَ نَعْمَلُ بِهَا.

معنی: ما شیعه هستیم و می‌توان گفت از اهل سنت هستیم زیرا ما بر مسیر سنت رسول خدا (ص) حرکت میکنیم، و به آن عمل می‌کنیم.

وَ أَنْتُمْ شِيعَةُ لِأَنَّكُمْ تُحِبُّونَ أَهْلَ الْبَيْتِ (ع).

و شما شیعه هستید چون اهل بیت (ع) را دوست دارید.

لَقَدْ عَرَفْتُ مِنْ خِلَالِ وُجُودِ كِتَابِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ وَ صَحِيحِ الْبَخَارِيِّ وَ الْكُتُبِ الْآخَرِي فِي بَيْتِكُمْ أَنَّكُمْ مَتَدِينُونَ؛  
لِهَذَا أَطْلُبُ مِنْكُمْ شَيْئَيْنِ:

معنی: من از طریق وجود قرآن کریم و صحیح بخاری و کتاب های دیگر در خانه شما دریافتم که شما مذهبی هستید. به همین دلیل از شما دو چیز می خواهم:

الْأَوَّلُ: أَرْجُو مِنْكُمْ الْمَعْذِرَةَ؛ لِأَنَّا جَعَلْنَا بَيْتَكُمْ مَقَرًّا لَنَا دُونَ إِذْنِكُمْ.

معنی: اول: از شما معذرت می خواهم. زیرا ما خانه شما را بدون اجازه مقرر خود قرار دادیم.

الثَّانِي: أَرْجُو مِنْكُمْ طَلَبَ الضَّرَرِ الَّذِي لِحَقِّ بَيْتِكُمْ. فَنَحْنُ مُسْتَعِدُّونَ لِدَفْعِ الثَّمَنِ.

معنی: دوم: از شما می خواهم خسارتی که به خانه تان رسیده را بخواهید ما آماده پرداخت هزینه هستیم.

نَحْنُ صَلَّيْنَا فِي بَيْتِكُمْ، وَ صَلَّيْتُ رَكَعَتَيْنِ وَ أَهْدَيْتُ ثَوَابَهَا لَكُمْ وَ طَلَبْتُ مِنَ اللَّهِ حَسَنَ الْعَاقِبَةِ لَكُمْ.

معنی: در خانه تو نماز خواندیم و دو رکعت نماز خواندم و ثواب آن را به شما دادم و از خداوند عاقبت به خیری برای شما خواستم.

نَحْنُ مُحْتَاجُونَ إِلَى دُعَائِكُمْ.

معنی: ما محتاج دعای شما هستیم

رَجَاءَ، اَطْلُبُوا مِنِّي ثَمَنَ الْأَضْرَارِ، فَهَذَا رَقْمُ هَاتِفِي فِي إِيرَانَ، أَرْجُو مِنْكُمْ الْإِتِّصَالَ بِي، وَ أَنَا مُسْتَعِدٌّ لِأَيِّ شَيْءٍ تَرِيدُونَهُ.

معنی: لطفاً خسارت را از من بخواهید، این شماره من در ایران است، لطفاً با من تماس بگیرید، من برای هر کاری آماده هستم.

رَقْمُ الْهَاتِفِ: ——— ۰۰۹۸۹۱۳

معنی: شماره تلفن: ——— ۰۰۹۸۹۱۳

ابْنُكُمْ، أَوْ أَخُوكُمْ: سَلِيمَانِي.

معنی: پسران یا برادران: سلیمانی.

## تمرین نهم\_ الثامن

با توجه به متن زیر، جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

حامدٌ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَ هُوَ فِي الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمُرِ. هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةَ مَسَاءً. يَنْهَضُ صَبَاحاً فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ إِلَّا رُبْعاً وَ بَعْدَ الصَّلَاةِ يَتَنَاوَلُ فُطُورَهُ فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ وَ النِّصْفِ.

معنی: حامد پسر باهوش است و او در سن پانزده سالگی عمرش است. او تکالیف مدرسه‌اش را عصر می‌نویسد. صبح ساعت یک ربع به شش بلند می‌شود. و بعد از نماز ساعت شش و نیم صبحانه می‌خورد.

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ اشْتَرَى وَالِدُهُ حَاسِباً لَهُ وَ سَمَحَ لَهُ بِالْدُّخُولِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ فِي أَوْقَاتِ الْفَرَاغِ.

در روزی از روزها پدرش برای او رایانه‌ای خرید و به او اجازه داد در اوقات فراغت وارد اینترنت شود.

فَرِحَ حَامِدٌ بِهَذِهِ الْهَدِيَّةِ. بَعْدَ مَدَّةٍ سَافَرَ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ لِمَهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ لِمَدَّةٍ يَوْمَيْنِ. قَالَ حَامِدٌ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ: «سَأَبْحَثُ بَحْثاً عِلْمِيّاً فِي الْإِنْتَرْنِتِ.»

معنی: حامد با این هدیه خوشحال شد. پس از مدتی پدر و مادرش برای یک مأموریت اداری به مدت دو روز سفر کردند. حامد به پدرش گفت: یک تحقیق علمی در اینترنت جست و جو خواهم کرد.

جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسُوبِ وَ لَعَبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً وَ فِي الْيَوْمِ التَّالِي نَهَضَ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ إِلَّا رُبْعاً. مَا أَكَلَ الْفُطُورَ وَ مَا غَسَلَ وَجْهَهُ وَ خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ وَ رَكِبَ حَافِلَةَ الْمَدْرَسَةِ.

معنی: حامد پشت رایانه نشست و ساعات زیادی بازی کرد و در روز بعد ساعت یک ربع به هفت بیدار شد. صبحانه نخورد و صورتش را نشست. از خانه خارج شد و سوار اتوبوس مدرسه شد.

كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الصَّبِّ. فَجَاءَ سَمِعَ صَوْتَ الْمُعَلِّمِ: «أُرِيدُ مُشَاهَدَةَ وَاجِبَاتِكُمْ.»

معنی: حامد در کلاس احساس خواب آلودگی می‌کرد. ناگهان صدای معلم را شنید: «می‌خواهم تکالیفتان را ببینم.»

فَتَحَ حَامِدٌ حَقِيبَتَهُ وَ فَهِمَ بِأَنَّ الدَّفْتَـرَ لَيْسَ لَهُ بَلْ لِرُغْبَتِهِ. نَدِمَ حَامِدٌ وَ قَالَ فِي نَفْسِهِ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مُنْظِماً!

معنی: حامد کیفش را باز کرد و فهمید که همانا دفتر برای او نیست بلکه برای خواهرش است. حامد پشیمان شد و با خودش گفت: ای کاش من منظم بودم.

۱- اشْتَرَى وَالِدُ حَامِدٍ حَاسُوباً لَهُ. (درست)

معنی: پدر حامد برای او رایانه‌ای خرید.

۲- حَامِدٌ فِي الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمُرِ. (نادرست)

معنی: حامد در سن ۱۲ سالگی است.

۳- هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةَ ظُهْرًا. (نادرست)

معنی: او تکالیف مدرسه‌اش را ظهر می‌نویسد.

۴- بَحَثَ حَامِدٌ عَنْ مَوْضُوعٍ رِیَاضِيٍّ فِي الْإِنْتَرْنِت. (نادرست)

معنی: حامد در اینترنت مسئله‌ای ریاضی را جستجو می‌کرد.

۵- سَافَرَ وَالِدُهُ وَوَالِدَتُهُ لِمُهَمِّهِ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةِ شَهْرَيْنِ. (نادرست)

معنی: پدر و مادرش برای یک مأموریت اداری به مدت دو ماه سفر کردند.